

عنوان مقاله:

آرای هراکلیتوس درباره ی جنبش ذاتی طبیعت و مقایسه ی آن با دیدگاه ملاصدرا

محل انتشار:

فصلنامه اندیشه دینی، دوره 13، شماره 48 (سال: 1392)

تعداد صفحات اصل مقاله: 30

نویسنده:

منیره سیدمظهری - دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج

خلاصه مقاله:

از جمله مباحثی که همواره در طول تاریخ فلسفه، محل بحث و گفت و گو بوده، مساله ی جنبش ذاتی طبیعت یا به تعبیر عام تر، صیوروت و دگرگونی آن است. تا آن جا که تاریخ فلسفه نشان می دهد، اندیشه ی فیلسوفان همواره میان ثبات و تغییر، مردد بوده است: برخی به کلی، واقعیت داشتن حرکت در طبیعت را انکار کرده و تغییر و تحولات مشهود را ساخته و پرداخته ی ذهن تلقی کرده اند؛ برخی دیگر اما، از حرکت به مانند حقیقتی انکارناپذیر سخن گفته و آن را مبنای نظام فلسفی خویش قرار داده اند. در میان فیلسوفان یونانی، اولین کسی که با انکار ثبات، از تغییر و جنبش دائم اشیائی طبیعی سخن به میان آورده، هراکلیتوس است. در میان فیلسوفان مسلمان نیز بیش از همه، ملاصدراست که از جنبش ذاتی جوهر اشیا سخن گفته و آن را یکی از ارکان مهم حکمت متعالیه ی خود دانسته است. هراکلیتوس بر مبنای چهار اصل مهم فلسفه ی خود، یعنی لوگوس، تغییر، تضاد و وحدت در عین کثرت، به تبیین اصل تغییر و صیوروت در طبیعت پرداخت و آن را ویژگی اساسی و فراگیر و نافذ عالم طبیعت دانست. ملاصدرا نیز با ابتنا بر اصول مهم فلسفه ی خود، همچون اصالت وجود و تشکیک وجود، حرکت را از عوارض تحلیلی وجود دانست و ثابت کرد که حیثیت حرکت، از حیثیت وجود اشیا، انفکاک ناپذیر است. این مقاله پس از تحلیل اندیشه ی هراکلیتوس و مقایسه ی آن با آرای ملاصدرا نتیجه گرفته است که به رغم تفاوت های آشکاری که میان دیدگاه این دو فیلسوف وجود دارد، ارائه ی تفسیر نزدیک به هم و تقریب آرا ایشان درباره ی جنبش ذاتی طبیعت، امری ناممکن نمی نماید.

کلمات کلیدی:

۱- هراکلیتوس، ۲- ملاصدرا، ۳- حرکت، ۴- لوگوس، ۵- تضاد، ۶- وحدت در کثرت، ۷- اصالت وجود، ۸- تشکیک وجود، ۹- حرکت جوهری

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1558258>

